



دیپلماسی پایان نیافته است

*دکتر ابراهیم متقی- استاد دانشگاه تهران

فرسایشی شدن روند احیای برنامه جامع اقدام مشترک، زمینه شکل‌گیری بحران‌های جدید در روابط ایران، ایالات متحده، کشورهای اروپایی و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را به‌وجود آورده است. تروئیکای اروپایی در فضای همکاری‌های چندجانبه خود با دولت بایدن از سازوکارهای کنش ائتلافی برای محدودسازی قابلیت و قدرت هسته‌ای ایران بهره گرفت. تروئیکای اروپایی درصدد بود تا ایران را در فضای محدودیت‌های بیشتر قرار دهد. تجربه تروئیکای اروپایی ۲۰۰۳ برای کشورهای ائتلاف علیه ایران انگیزه قوی محسوب می‌شد تا زمینه فشارهای چندجانبه سیاسی، نهادی و بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی را به‌وجود آورند. چنین الگوی رفتاری زمینه‌های لازم برای ائتلاف و ضد ائتلاف‌های جدید در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را به‌وجود آورد. تروئیکای اروپایی در شرایطی فشارهای سیاسی، نهادی و بین‌المللی علیه ایران را افزایش دادند که برخی از نشانه‌های اعتراض اجتماعی نسبت به شرایط اقتصادی در ایران به‌وجود آمده بود.

در ماه‌های گذشته نیز تل‌آویو از الگوی کنش تهاجمی مستقیم علیه تاسیسات، منابع و شکل‌بندی قدرت اقتصادی و سازمانی ایران بهره گرفته و این نشانه‌ها را تروئیکای اروپایی و ایالات متحده به منزله ضعف سیاسی ایران در برابر تهدیدات چندجانبه جهان غرب می‌دانستند.

در چنین شرایطی بود که ایران از سیاست مقاومت در برابر فشارهای اروپا و ایالات متحده بهره گرفت. موضوع اصلی ایران همکاری با آژانس در شرایطی است که تمام اصول و قواعد مورد نظر ایران در فضای برنامه جامع اقدام مشترک اجرا شود. در چنین شرایطی اگر محدودیت‌های بین‌المللی علیه ایران به‌وجود آید، در آن شرایط جمهوری اسلامی ناچار خواهد بود تا یکی از دو راهبرد مقاومت یا سازش را انتخاب کند. راهبرد مقاومت به منزله سازوکاری محسوب می‌شود که می‌تواند زمینه ایجاد ائتلاف جدید علیه تروئیکای اروپایی و آمریکا را فراهم سازد. از آنجاکه در دوران موجود بحران در اقتصاد جهانی، چالش‌های درون ساختاری ایالات متحده و اروپا را افزایش داده، در چنین شرایطی هرگونه فشار سیاسی و امنیتی در ارتباط با ایران اگر با اقدام متقابل روبه‌رو شود، بحران اقتصادی منطقه‌ای و جهانی را افزایش خواهد داد.

۱- الگوی کنش متقابل سازنده

ایران در واکنش به قطعنامه تهاجمی آژانس از سازوکارهای کنش متقابل سازنده بهره گرفت. الگوی کنش رفتاری ایران با نشانه‌های همکاری سازنده مشروط همراه است.

جمهوری اسلامی همواره تلاش داشته تا از سازوکارهای کنش متقابل در حوزه دیپلماسی، محدودیت‌های بین‌المللی و تهدیدات سیاسی استفاده کند. اگرچه تروئیکای اروپایی تلاش دارد تا ایران را در فضای سازش قرار دهد و محدودیت‌های بیشتری را علیه جمهوری اسلامی اعمال کند، اما سازوکار مربوط به همکاری سازنده ایران را می‌توان یکی از نشانه‌های آغاز دیپلماسی دانست.

واقعیت آن است که صدور قطعنامه شورای حکام در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی علیه ایران به منزله پایان دیپلماسی محسوب نمی‌شود، بلکه زمینه‌ها و نشانه‌هایی از همکاری جدید کشورها بر اساس اصول، قواعد و سازوکارهایی را فراهم می‌کند که زمینه پایداری بیشتر در توافق را اجتناب‌ناپذیر خواهد ساخت.

همکاری سازنده در روابط بین‌الملل، به معنای سازش و پذیرش همه‌جانبه مواضع و سیاست‌های طرف مقابل محسوب نمی‌شود. چنین الگویی را نمی‌توان به منزله رویارویی با نظم یا قواعد جهانی دانست. واقعیت در رقابت‌های بین‌المللی آن است که هر کشور دارای منافع، اولویت‌ها و اهداف خاص خود است که با سیاست قدرت‌های بزرگ تعارض خواهد داشت.

در چنین شرایطی الگوی رفتاری موثر و سازنده به جهت‌گیری سازنده و بهره‌گیری مشروط نهادی و قانونی از قدرت و ابزارهای کنش متقابل است.

شرایطی را در نظر بگیرید که ایران در برابر سیاست فشار آژانس، ایالات متحده و کشورهای اروپایی از الگوی سازش بهره می‌گرفت. در آن شرایط هیچ‌گونه نتیجه و مطلوبیتی در فضای سیاسی و اقتصادی ایران به‌وجود نمی‌آمد. تجربه گذشته بیانگر این واقعیت است که سیاست سازش، چالش‌های اقتصادی، امنیتی و راهبردی علیه کشورها را افزایش خواهد داد.

واشنگتن و تل آویو از سازوکارهای تهدید نظامی مستقیم در ارتباط با ایران بهره گرفتند. آمریکا در تاریخ ۱۰ ژوئن ۲۰۲۲ مانور نظامی مشترک با نیروی هوایی اسرائیل انجام داد.

فعال سازی هواپیماهای بی ۵۲ آمریکا و حرکت آنان بر فراز کشورها و حوزه دریایی خلیج فارس را می توان یک نشانه از هشدار تحریک آمیز از سوی سنتکام و فرماندهی مرکزی آمریکا دانست.

به پرواز درآمدن هواپیمای بی ۵۲ یکی از نشانه های تهدید ایران به اقدام نظامی علیه پایگاه فردو است؛ درحالی که در فضای موجود سیاسی و امنیتی، هرگونه اقدام نظامی آمریکا می تواند زمینه های لازم را برای جنگ چند شاخه و چندجانبه منطقه ای به وجود آورد.

چنین اقدام احتمالی، واکنشی همه جانبه، گسترده و فراگیر را به وجود می آورد. ایالات متحده اگر از سیاست تهدید استفاده کند و آن را زمینه ای برای اعمال فشارهای نظامی و اقتصادی علیه ایران قرار دهد، در آن شرایط زمینه برای تصاعد بحران به وجود خواهد آمد.

مانور یگان های عملیاتی ایالات متحده و به پرواز درآمدن هواپیمای بی ۵۲ یکی از نشانه های تهدید و گسترش بحران محسوب می شود. همان گونه که می توان آن را زمینه ای برای اعاده و بازگشت دیپلماسی دانست.

در روند مدیریت بحران های منطقه ای و بین المللی، دیپلماسی در شرایطی اعاده می شود که هر یک از بازیگران حداکثر قدرت احتمالی خود را برای مقابله با طرف مقابل به نمایش درآورد. واقعیت موجود را می توان نشانه ای از جنگ اراده ها دانست. موضوع جنگ اراده ها بخش اجتناب ناپذیر و درهم تنیده هنر جنگ «سان تزو» و هنر تحریم «ریچارد نفیو» خواهد بود.

همان گونه که موضوع اصلی [رویکرد] نفیو افزایش تحریم ها و تهدیدات نظامی مرتبط با آن

است، اگر کشوری در وضعیت تهدید موثر قرار گیرد، در آن شرایط به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر اراده و قدرت خود را برای مقابله با بازیگر رقیب از دست می‌دهد.

در چنین شرایطی نه تنها زمینه برای حل مسالمت‌آمیز اختلافات به وجود نخواهد آمد، بلکه زیرساخت‌های منازعه نظامی را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. در دوره زمانی و شرایط موجود چون قطعنامه شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی علیه ایران صادر شده و آمریکا از سازوکارهای مانور نظامی بهره می‌گیرد، امکان شکل‌گیری هر تحولی از جمله درگیری تاکتیکی و دیپلماسی سازنده وجود خواهد داشت.

نتیجه

تروئیکای اروپایی و ایالات متحده از سیاست و سازوکارهای فشار زودهنگام برای ایجاد ارباب در ارتباط با ایران بهره گرفتند. تروئیکای اروپایی محور اصلی سیاست‌های خود را بر مبادله اطلاعات با تل‌آویو قرار داد. انتظار از گروسی برای آنکه صرفاً مدیر فنی آژانس باشد، کاری عبث و نادرست خواهد بود.

اگرچه کار کرد آژانس ماهیت فنی و تکنیکی دارد، اما واقعیت رفتاری آژانس، مبتنی بر نشانه‌های کنش تاکتیکی و الگوی رفتار راهبردی خواهد بود.

واقعیت آن است که در برخی از دوران‌های تاریخی، ایالات متحده و قدرت‌های بزرگ می‌توانند بر سیاست‌های آژانس تاثیرگذار باشند. تصویب قطعنامه شورای حکام علیه ایران به مفهوم آن است که آمریکا از سیاست بسیج عمومی برای مقابله با ایران بهره گرفت.

نظام منطقه‌ای و بازیگران موثر در نظم جهانی باید به این موضوع واقف باشند که در فضای بحران بهترین الگوی رفتاری تصاعد سیاست فشار و محدودسازی ایران نخواهد بود. واقعیت آن است که ایران همواره از سیاست و سازوکارهای انعطاف‌پذیر و عمل‌گرایانه بهره گرفته است.

اعمال فشارهای گسترده علیه ایران، منجر به حل و فصل زود هنگام موضوع نخواهد شد، بلکه زمینه شکل‌گیری چالش‌های جدید را به وجود می‌آورد. در نهایت باید به این موضوع اشاره کرد که سیاست ایران برای فعال‌سازی مجدد سانتریفیوژهای پیشرفته به منزله نادیده گرفتن تعهدات خود در برابر آژانس و قدرت‌های بزرگ محسوب نمی‌شود. ایران همواره بر ضرورت رعایت تعهدات متقابل تاکید داشته است.

در شرایطی که ایالات متحده از سیاست فشار فزاینده در برابر ایران بهره می‌گیرد، طبیعی است که در آن شرایط امکان بهره‌گیری از سازوکارهای همکاری‌جویانه سازنده از سوی ایران بسیار محدود خواهد بود. الگوی رفتاری ایران برای برچیدن دوربین‌های آژانس به معنای آن است که ایران از قابلیت و ابزار لازم برای انجام اقدامات متقابل برخوردار است.

اقدامات متقابل ایران را می‌توان به عنوان ابزاری برای بازگرداندن آمریکا و اروپا به تعهدات آنان در برنامه جامع اقدام مشترک دانست. ایران تمایلی به گریز هسته‌ای نداشته و چنین رویکردی را می‌توان به عنوان بخشی از سیاست بحران‌ساز تل‌آویو در فضای منطقه‌ای دانست.

منبع: دنیای اقتصاد